



۲۰۱۶/۰۶/۲۱



م. اسحاق نگارگر

ملت در دایره معیوبه افتاده است و رهبران سرنی را سرچپه پُف می کنند.

تبصره:

این را من سال گذشته در چهارم جون نوشته بودم. یک سال از آن می گذرد و باز هم اقتصاد ملی کشور ما در همان دایره معیوبه است که بود. در جهان امروز ملت ها بدون اقتصاد و تکیه بر توانایی ها و قابلیت های خود نمی توانند آزادی و استقلال خود را حفظ کنند. جنگ و شجاعت های افرادی به درد جنگ های عصر طیاره های بی پیلوت نمی خورد. از قدیم گفته اند:

«آنکه شیران را کُند روبه مزاج

احتیاج است احتیاج است احتیاج

و شکی نیست که ما از دیدگاه اقتصادی مردم محتاج و دست نگر دیگران استیم و این احتیاج و دست نگری عاقبت خوش ندارد. ۴ جون ۲۰۱۵ - نگارگر

شنیدم جناب رئیس جمهور فرمودند که "ما باید اجرای سکتور خصوصی را از سکتور دولتی تفکیک کنیم." این دو سکتور ضرورت به تفکیک ندارند زیرا نام شان آن دو را از یکدیگر تفکیک می کند. سکتور یا اگر به دری بگویم بخش خصوصی از افراد و اشخاص خصوصی است و بخش دولتی تصدی هایی که عهده دار آن دولت است. در سکتور خصوصی افراد سرمایه گذاری می کنند و در سکتور دولتی دولت ها.

جناب رئیس جمهور که من در خُبرگی اقتصادی اش شک ندارم خوب میداند که همین حالا ملت در یک دایره معیوبه اقتصادی گیر مانده است. دایره معیوبه به اصطلاح وطنی ما همان بند ریگی در برابر سیل است که وقتی تلاش میکنی یک جانبش را بند کنی جانب دیگرش را آب می بزد. رئیس جمهور خود می فرماید که وضع کودکان در افغانستان قابل تحمل نیست و آدم فکر می کند که او در فکر یک چاره جویی عاجل است اما بدبختانه همه وعده های رئیس جمهور با روز نه شنبه گره خورده است، یعنی اگر خدا بخواهد و دل پاکستان نیز بر فاجعه این ملت بسوزد در روز نه شنبه این جنگ لعنتی به پایان می رسد و تازه آن وقت زنان خانه دار که سودا های خانه خود را با اقتصاد ضعیف خود که مانند این نگارنده با تکیه بر عصا نیز لرز لرزان در راه می رود آنان نیز به جای یک کیلو کچالوی پاکستانی که به تخمین ده افغانی است می روند و یک کیلوی کچالوی میدان و وردک را کیلوی پانزده افغانی می خرند تا با دهقان خود و اقتصاد ملی خود کمک کنند که این همان داستان گشنه سر تشنه افتاد و جان هر دو برآمد، می باشد.

جناب رئیس جمهور این به نبوغ اینشتاین ضرورت ندارد که در یک کشور جهانِ سومی که بار چهل سال جنگ را بر دوش دارد و تمام زیر بناهای اقتصادی اش را ویران کرده اند. در زمین هایش مین فرش کرده اند و زمین قابل زرعش را نیز مافیای مواد مخدر داخلی و بین المللی در خدمت کشت کوکنار گرفته اند دولت به اقدامات عاجل اقتصادی ضرورت دارد نه به وعده های میان تهی. جناب عالی که متخصص اقتصاد هم هستید و هر مجلس را به اصطلاح خودتان با تحفه پیشوای بشریت حضرت محمد (ص) یعنی سلام آغاز می کنید چرا از اصلاحات عاجل اقتصادی حضرت محمد (ص) چیزی نیاموخته اید. شما خطبه حجة الوداع او را یک بار دیگر مرور کنید. وی در آنجا می گوید:

تمام پول هایی که به وسیله سود خوران به مردم بینوا برای سود پرداخته شده است من همه را بخشیدم و در درجه اول سود های کاکای خود عباس را بخشیدم. امروز دهقانان افغانستان تا گلو در قرض مافیای مواد مخدر غرق هستند ولی دولت نمی تواند آن قرض ها را ببخشد. این کمونیزم نیست. این کاری است که حضرت محمد (ص) پیامبر بزرگوار مسلمانان کرده است ولی شما از جنگ سالارها می ترسید. کلمه جنگسالار را در سال های ۱۹۹۰ برای اولین بار من برای warlord انگلیسی برگزیدم و منظور من این بود که این مردم اشخاص کاملاً عادی بودند ولی جنگ آنان را به سالار های سیاسی و اقتصادی جامعه بدل کرده است. هر کدام اینان در واقع خزانه دار های پولی بودند که مردم جهان برای جهاد و مجاهدین کمک می کردند اما اینان از این خزانه از گاو غودود برای مجاهد خرج کرده اند و بقیه را در صندوق های بانکی خود ذخیره نموده اند. شما حق دارید به عنوان رئیس دولت حساب این پول هارا از رهبرانی که هنوز هم به نام جهاد صدر نشین هستند بگیرید و یک چیز دیگر را نیز از محمد (ص) بیاموزید.

اسلام را که بر پا ایستاد کرد سرمایه های حضرت صدیق و حضرت عثمان (رض) و دیگر یاران ثروتمند آن حضرت بود. رهبران جهاد سال هاست که سنگ مفت جهاد را بر سینه کوفته اند و حالا در این حالی که کشور در دایره معیوبه افتاده است وقت آن است که اخلاص و ایثار خود را در راه اسلام و سرزمین اسلامی خود نشان بدهند. یکی از رهبران درجه دوم خود اعتراف کرده بود که سه صد و شست میلیون دالر دارد. این سه و شست میلیون دالر چرا باید عاقل در بانک باشد. این پول ها را حصول و در رشته ضرورت های اولیه مردم سرمایه گذاری کنید. وقتی دهقان شما یک دانه کچالو تولید می کند همان یک کچالو را از واردات تان کسر کنید بدین ترتیب است که سرمایه داران ملی رشد می کنند، اما شما که ذهن تان در تار خام مارکیت آزاد بند است از زنان خانه دار می خواهید که وظیفه شما را بر عهده بگیرند. رشوه خواری و فساد اداری یکی از مشکلات عمده شماست اما اقدامات عاجل دوسیه سازی کار ندارد هر مأمور رشوه خوار را که بالفعل دستگیر کردید چهار برابر رشوتی که گرفته است جریمه کنید. یک حصه را به صاحب پول برگردانید و سه حصه را به نفع دولت مصادره نمایید بدین ترتیب است که ریشه رشوت را می توانید از زمین حکومت خود بیرون آرید شما در این حکومت بیوروکراسی را توسعه داده اید و در کیسه کسانی که از آنان حساب باید پس می گرفتید دالر می ریزید. من می دانم که حقیقت تلخ و ناخوشایند است اما آنچه شرط بلاغ بود برای تان گفتم.

اگر فردا ملت خود را از این دایره معیوبه نجات دادید افتخارش برای شماست اما اگر کشتی ملت در نتیجه به مه چی گویی های امروزتان غرق شد باید بدانید که کشتی یک ملت شجاع و بسیار صبور را در گرداب حوادث غرق کرده اید. فاعتبروا یا اولی الابصار.

پنجشنبه چهارم جون ۲۰۱۵ برمنگهم نگارگر